



# اولین محاکمه مطبوعاتی در ایران

حمید مقدم فر\*

ج: آنچه را از اول روزنامه الهی آخر نوشته‌ام، راجع به ذات مقدس ملوکانه بوده است.

س: شما حق نداشته‌اید به آن رکالت از ذات مقدس ملوکانه اسم ببرید. چنانکه همه روزنامه‌نگارها همین مطلب را می‌نویسند، ولی اینطور نسبتها نمی‌دهند که از آن جمله نسبت «قصابی» است.

ج: این مطلب، فقط محض خون‌جوشی خودم و حفظ مقام سلطنت است. و ریاده بر این، مطابق قانون اساسی، بدون هیأت منصفین، محاکمه می‌نمایید.

اظهارات ادیب خلوت: من پنج فقره عرض کردم و آنها غیر از سوادب به شخص مقدس ملوکانه است. فقط اسناد این پنج فقره را می‌خواهیم که متعدد درج کرده است.

ج: جواب اینها را فردا خواهم گفت و یا شخصاً حاضر شده، جواب می‌دهم یا وکیل می‌فرستم. روز چهارشنبه ۱۳ و پنجشنبه ۱۴، ادیب خلوت حاضر شد و مدیر حاضر نشد. برای روز شنبه رفته‌ام حضار به برای او فرستادند که یا خودش یا یک نفر وکیل بفرستد تا بعد چه شود.

## ● سرانجام این محاکمه

در قسمت اول محاکمه «مدیر روح‌القدس»، قرار شد یا خودش در محکمه حاضر شود یا وکیل به محکمه بفرستد. اما پس از چندروز خود او به عدلیه رفت.

پس از آنکه سلطان‌العلماء در عدلیه (دادگستری) حاضر شد و با جسارت و شهامت دادگاه را به رسمیت نشناخت، برای محاکمه خود چند پیشنهاد کرد. وزیر علوم در مقابل ایستادگی او تاب نیاورد و اعلام کرد که: «محاکمه موقوف».

مجدالاسلام کرمانی مدیر روزنامه «محاکمات»، در روزنامه‌اش از محمدعلی‌شاه خواسته بود که سلطان‌العلماء را عفو کند. او گمان برده بود که نوشته‌اش در روح آدم سفاکی چون محمدعلی‌شاه اثر گذاشته و دستور موقوف کردن محاکمه را داده است. غافل از اینکه سلطان‌العلماء در دادگاه به صراحت از وزیر علوم خواست که: «من درباره هر کسی مطالبی نوشته‌ام، او باید خودش در مقابل من از خود دفاع کند»

و بدین خاطر دنباله محاکمه سلطان‌العلماء قطع شد. روزنامه «محاکمات» که ارگان وزارت عدلیه و

بیت را اسیر و چقدر از ملت تلف می‌نماید.

فقره سوم- یک جانب وزیر نظام، مأمور قتل و اغتشاش خراسان می‌شود.

فقره چهارم- از طرف دیگر جهان‌شاه خان از تهران به زنجان رفته؛ اهل زنجان را قطعه قطعه نموده.

فقره پنجم- خوب است قدری از مستی سلطنت به هوش آمده، چشم باز کرده نظری به دولت خود و باقی دولتها بنمایم. آیا تمام سلاطین عالم، از وظیفه خود خارج شده، مشغول قصابی گشته‌اند؟

[سؤال] محکمه از مدیر روزنامه روح‌القدس آقای شیخ احمد سلطان‌العلماء خراسانی؛ چند مدت است ابداع این روزنامه را کرده‌اید؟

ج: سه ماه.

اظهار مدیر روح‌القدس: ترتیب محکمه صحیح نیست، باید هیأت منصفین هم حاضر باشند.

ج: محکمه همین اظهار شما را به وزارت عدلیه اعظم اظهار کرده، فرموده‌اند هیأت محکمه همان هیأت منصفین است. شما جواب صحیح که در باب این چند فقره دارید، اظهار نمایید.

س: جواب فقره اول را بگویید.

راجع به عمل اقبال‌السلطنه است.

ج: مطابق تلگرافی که میرزا علی‌اصغر خان [اتابک] به نجفوان کرده بود، حکم خونریزی داده است.

س: سند آن را ارائه نمایید که تلگراف باشد به مهر تلگرافخانه یا مهر خود میرزا علی‌اصغر خان.

ج: شما می‌خواهید مطالبه اثبات مطلب یا فعل اقبال‌السلطنه را بنمایید؟

س: ما حکم مرکزی که در روزنامه نوشته‌اید می‌خواهیم.

ج: فردا سندش را حاضر می‌کنم.

س: جواب فقره دوم که راجع به تحریک عثمانی است بگویید.

ج: فردا جواب همه را حاضر نموده، می‌گویم.

س: در خصوص فقره پنجم که راجع به ذات اقدس ملوکانه است. چه می‌گویید؟



اولین محاکمه رسمی که در دادگستری از یک روزنامه نگار صورت گرفت. محاکمه سلطان‌العلماء خراسانی مدیر روزنامه «روح‌القدس» است.

سلطان‌العلماء پس از آنکه در شماره سیزده «روح‌القدس» مقاله تنیدی خطاب به محمدعلی‌شاه نوشت، روزنامه او را توقیف کردند و محمدعلی‌شاه دستور داد او را در وزارت عدلیه محاکمه کنند. این محاکمه در روز دوازدهم شوال ۱۳۲۵ ه. ق- سه ماه قبل از تصویب اولین قانون مطبوعات- در محکمه جنایی به ریاست حاجی صدق‌الملک تشکیل شد و ادیب خلوت نیز به وکالت از طرف اعتماد السلطنه رییس انطباعات در باب مندرجات روزنامه روح‌القدس در جلسه محاکمه شرکت کرد.

## ● جریان محاکمه

روزنامه محاکمات، در شماره ۲۵، جریان محاکمه سلطان‌العلماء را به این شرح نوشته است:

محاکمه جدید روح‌القدس در محکمه جنایات رییس محکمه جناب حاجی صدق‌الملک جناب ادیب خلوت، به وکالت از طرف جناب اعتماد السلطنه رییس انطباعات در باب مندرجات روزنامه روح‌القدس مذاکره و محاکمه می‌نمایند. به تاریخ شوال ۱۳۲۵.

[سؤال] محکمه از جناب ادیب خلوت: شما در چه ماده مندرجه روزنامه گفتگو دارید؟

ج: در پنج فقره ایراد دارم:

فقره اول- یک طرف اقبال‌السلطنه به حکم مرکزی، مشغول ریختن خون ملت شده.

فقره دوم- یک سمت، عثمانی تحریک شد، اطفال را ذبح و اهل

دولتی بود، در ذکر مشروح مباحثات دادگاه آنچه را که برضد دولت و افشاگر بوده، سانسور کرده است.

### ● جریان واقعی محاکمه

جریان واقعی این محاکمه را خود روزنامه «روح القدس» در شماره ۱۴ مورخ ۲۷ ذیقعدہ ۱۳۲۵ هـ.ق زیر عنوان «صورت استنطاق و محاکمه» چاپ کرده که عیناً نقل می‌شود:

#### «صورت استنطاق و محاکمه»

وکیل وزارت علوم مطالبه سند یا نبوت پنج مطلب کرد:

۱. خون‌ریزی اقبال‌السلطنه
  ۲. تحریک عثمانی
  ۳. قتل و غارت جهان‌شاه‌خان
  ۴. مأموریت وزیر نظام
  ۵. قضای اعلیحضرت
- مدیر مطابق قانون اساسی مطالبه هیأت منصفین کرد.
- محکمه: وزیر عدلیه گفته هیأت منصفین لازم نیست.

مدیر: گفته وزیر عدلیه خلاف قانون اساسی است، من بدون هیأت منصفین محاکمه نمی‌کنم. (زیبیس محکمه صدق‌الملک) جهت خشنودی دولت با کمال تشدد و خشونت گفت: نمی‌شود. باید جواب بدهی.

مدیر چون دید که محاکمه برای خدمت به دولت است، جواب داد من امروز وقت ندارم. فردا وکیل خودم را با اسناد می‌فرستم. روز دیگر جهت کسالت ممکن نشد که مدیر وکیل تعیین کند. پس از چند روز دیگر، (مدیر) برای محاکمه در عدلیه حاضر شد و اظهار داشت محاکمه موقوف بر سه مطلب است:

اولاً- محاکمه علنی باشد و مجلسی مرکب از هیأتی از وکلا و هیأتی از منصفین تشکیل داده شود. ثانیاً- طرف من معین شود که کیست، باید پس از تعیین، خودش یا وکیل ثابت‌الوکاله او برای محاکمه حاضر شود.

ثالثاً- مجازات طرفین هر کس باشد و هر چه باشد، باید معین شود که بعد از محاکمه بدون تأمل قانون اجرا شود.

محکمه گفت:

۱- محاکمه علنی است، هر کس می‌خواهد بیاید، در باب هیأت و تشکیل مجلس، وزیر عدلیه گفته است لازم نیست.

۲- طرف شما جناب وزیر علوم می‌باشند، وکیلشان هم حاضر شده است.

۳- هنوز قانون مجازات از مجلس بیرون نیامده.

مدیر گفت: جناب وزیر علوم طرف من نیست. چرا که من جهت ایشان چیزی ننشستم و مطالب هم راجع به ایشان نیست. پس مطالب به هر کس راجع است، او

طرف است. بعد از جدل و گفتگوی زیاد، رئیس محکمه صدق‌الملک- گفت: محکمه با شما طرف است.

مدیر گفت: در این صورت من چه محاکمه دارم که رئیس محکمه با من طرف باشد. من بدون انجام این سه مطلب محاکمه نخواهم کرد.

روز دیگر از طرف وزیر علوم اخطار شد که: محاکمه موقوف.

### ● مقالهای که باعث محاکمه شد

سرمقاله شماره سی‌زده «روح القدس» که روز ۲۹ رمضان ۱۳۲۵ هـ.ق انتشار یافت، باعث محاکمه سلطان‌العلماء شد. در این سرمقاله با عنوان «نطق غیبی یا اشاره لاریبی» سلطان‌العلماء بعد از نقل این بیت:

مگر به گوش سلیمان زمن رساند باد نصیحتی که در او خیر سلطنت باشد می‌نویسد: «ای کاش در این مملکت یک شاه‌پرست پیدامی‌شد، چند کلمه بدخواهی روح‌القدس را به شاه دادخواه می‌سازید. ما را نه هوای سلطنت است و نه خیال وزارت. در حفظ وطن و حمایت هموطنان بکوشیم و از حرف حق گفتن چشم‌نپوشیم. میان رعیت و بنده فرق است. اطاعت شهوات نفسانی بر بنده لازم است نه بر رعیت، زیرا که رعیت بنده نیست و آزاد است...»

و در قسمت دیگری از این سرمقاله می‌نویسد: «... چون سلطنت به اعلیحضرت رسید، مال ملت تمام غارت شده، غیر از یک جانی برای ملت باقی نمانده است. در این عهد دست به جان ملت زده شد- یک طرف اقبال‌السلطنه به حکم مرکزی مشغول ریختن خون ملت شد- یک سمت عثمانی تحریک شده اطفال ملت را ذبح و اهل بیت ملت را اسیر و چقدر از ملت را تلف کرد. یک جانب وزیر نظام مأمور قتال و اغتشاش خراسان می‌شود- از طرف دیگر جهان‌شاه خان از تهران به زنجان رفته، اهل زنجان را قطعه قطعه نمود- تا ملت بخواهد خود را از گرگان داخله نجات بدهد، گرفتار سگان و گرگان خارجه می‌شود- از هر گوشه دردمندی و از هر کنار آه مستمندی بلند است، لیل و نهاراً مشغول دعاگویی این دوره سلطنت هستند (آه دل مظلوم به سوهان ماند- گر خود بُرد، بُرنده را تیز کند).

خوب است قدری از مستی سلطنت به هوش آمده چشم باز کرده، نظری به دولت خود و باقی دولتها بنمایی- آیا تمام سلاطین عالم از وظیفه و شغل خود خارج شده مشغول قضای گشت‌اند...»

### ● روزنامه «روح القدس»

روزنامه «روح القدس» در تهران به مدیریت سلطان العلمای خراسانی تأسیس و نخستین شماره آن در روز دوشنبه ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ هـ.ق منتشر شد. مسلک و مرام روزنامه در زیر نام آن، در تمام شماره‌ها درج شده و چنین است:

«جریدهای است: آزاد، علمی و سیاسی و پویلیتیکی بحث می‌نماید و ابداً شئونات و عناوین ظاهری مانع از اظهار مطالب نخواهد بود. مقالات عام‌المنفعه درج می‌شود.»

روزنامه روح القدس بجز در شماره چاپ خارج، تا ۱۷ جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۶ هـ.ق (چند روز کمتر از یک سال)، در مجموع ۲۸ شماره انتشار یافت.

«روح القدس» جنبه انتقادی شدید داشت و مقالات آن برخی با امضا و بسیاری بی‌امضا است. در پایان تمام شماره‌ها، امضای مدیر روزنامه سلطان‌العلماء آمده که مسئولیت تمام مقالات را به عهده گرفته است.

### ● شرح حال سلطان‌العلماء

شیخ احمد تربتی معروف به سلطان‌العلمای خراسانی و مشهور به روح‌القدس مدیر روزنامه «روح القدس»، با شهامت‌ترین روزنامه نگار عصر مشروطه است. وی در تربت حیدریه متولد شد. تا سن ۲۹ سالگی ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر و دیگر فضلاء آن اطراف تحصیل نمود. سپس راهی تهران شد و در مدرسه صدر به صورت طلبگی زندگی کرد.

سلطان‌العلماء در تهران روزنامه روح‌القدس را منتشر کرد و به علت نشر مقالات تند و بی‌پروا علیه محمد علی شاه و دیگر مستبدان، به قدری مورد بغض و کینه شدید آنان قرار گرفت که بعد از سه توپ بستن مجلس، اداره روزنامه روح‌القدس به تصرف قشون استبداد درآمد و سلطان‌العلماء نیز دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه زیاد، در باغ‌شاه به شهادت رسید. از سلطان‌العلماء شرح احوال بیشتری در دست نیست و در مورد دستگیری و به شهادت رسیدن او نیز اقوال مختلف است.

#### ● پانویسها

۱. گلین، محمد، مجموعه روزنامه روح‌القدس، تهران، نشر چشمه، ۱۳۶۳.
۲. کهن، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ج ۲، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲.
۳. طباطبائی، محیط، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۶.
۴. برون، ادوارد، تاریخ مطبوعات ایران، ج ۲، تهران، انتشارات معرفت، ۱۳۳۷.
۵. اسفندیاری، شهین و همکاران، مطبوعات ایران، فهرست تحلیلی کتابخانه مجلس سنا، تهران، مرکز مدارک علمی، ۱۳۵۸.
۶. صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، اصفهان، انتشارات کمال، چاپ دوم، ۱۳۶۴.
۷. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم، ۱۳۵۶.
۸. گلین، محمد، روزنامه روح‌القدس و بنیاد از سلطان‌العلمای خراسانی دومین روزنامه‌نگار شهید ایران، کیهان فرهنگی، ش ۷ (مهرماه ۶۳)، ص ۱۵-۱۷.
۹. دامغانی، محمدتقی، جوانمهای حقوق ملی ایران، حقوق مردم، ش ۳۱ (بهار ۱۳۵۲)، ص ۳۷-۴۰.